

فریب بزرگ در استفاده از واژه «منشور»

امیرفیض - حقوقدان

دست اندرکاران شورای به اصطلاح ملی! در پناه انتخاب واژه «منشور» بجای «مرامنامه شورا»، به فریب بزرگی دست زده اند که جلب توجه سلطنت طلبان به آن وظیفه این تحریر است.

همانطور که میدانید اسناد سیاسی و کتب لغت نشان میدهد جمعیت های با اهداف سیاسی که بانامهای حزب و گروه و یا سازمان تشکیل میگردد دارای مرامنامه ای هستند که در آن مرامنامه اصول و عقاید جمعیت و هدف از ایجاد آنها و طرق رسیدن به هدف آنرا بیان میکند و همواره بصورت کتابچه و یا نوشته ای از مدارک ثبت موسسه بشمار میرود، چنانکه در فرم های چاپی ثبت موسسات بعد از اساسنامه به مرامنامه و یا آرمان نامه جمعیت اشاره شده است.

با ملاحظه این مختصر باین سوال مواجه هستیم که چرا شورای به اصطلاح ملی! از واژه «مرامنامه» استفاده نکرده و خود را به «منشور» چسبانده است.

منشور به معنای فرمان شاه است در تمام طول تاریخ پادشاهی ایران فرامین شاه بانام «منشور» ارسال و ابلاغ شده است که شروع این روال از سلطنت کورش بزرگ آغاز شد که «منشور کورش» برجسته و تاریخی ترین منشورهای تاریخ سلطنت ایران است.

از آنجا که فرامین عمومی شاه غیر قابل برگشت و لازم الاجرا و لازم الاتباع بوده که ابلاغ آن بصورت سرگشاده معمول بوده بمنظور تمایز با فرامین دیگر پادشاه و یا فرماندهان عنوان «منشور» یعنی ابدی بودن به آن تعلق یافته است (به مفاد منشور کورش کبیر رجوع فرمائید)

اختصاص واژه منشور به سازمان ملل متحد و یا موارد مشابه هم بمنظور نشان دادن استحکام و ابدیت و تمایز آن با عهدنامه های بین کشورهاست.

جابجائی مرامنامه با منشور

تخصیص واژه منشور بجای مرامنامه در شورای به اصطلاح ملی! از اینجاست است که منشور فرمان شاه تلقی شود نه مرامنامه حزب، و از آنجا که شوراچی ها ادعا کرده اند که این منشور از روی میز اعلیحضرت به راه افتاده مرامنامه شورای ملی! میشود فرمائی که شاه بصورت عام و سرگشاده صادر کرده است، و در کلامی دیگر ماده

۱۱ و تجزیه کشور با فرمان شاه پایه گذاری شده نه مرامنامه که افکار و مقاصد تشکیل دهندگان شورا است.

امضای با اصطلاح منشور شورا از سوی افراد گرچه بظاهر موافقت و رضایت بانجیزه کشور و سایر مواد منشور شناخته میشود ولی در واقع بیعت و اطاعت از فرمان شاه تلقی میگردد و اگر بخواهیم باتوجه به فرهنگ و باورهای

ایرانیان مفهوم امضای افراد را پای منشور ارزیابی کنیم نظریه اینکه امضای منشور از جانب اعلیحضرت کلیت عام در فرهنگ و سنت ایرانی دارد و نیازی به تأیید و امضای دیگران نیست لامحاله باید امضای اشخاص را در کنار امضای اعلیحضرت جنبه قدردانی و اظهارسرفرازی شناخت و اینکه شوراچی ها مدعی شده اند که منشور تاقمین کننده خوشبختی برای ملت ایران است به همان اعتبارست که در فرهنگ ما ایران فرامین شاه همواره همراه خوشبختی و رفاه و سربلندی ملت است.

اصرار و سماجت شوراچی ها بر اینکه منشور گرفتار بحث و اصلاح ورد و امثال آنها نشود بر همان پایه است که قصد آنها از استفاده از واژه «منشور» بیشتر اصالت و اعتبار و در عرض فرمان پادشاه قراردادن مرامنامه شورای به اصطلاح ملی! است.

حق سلطنت و سلطنت طلبان است که نه تنها به اصلاح منشور همت کنند بلکه واژه منشور باید به مرامنامه شورا تبدیل شود.

فکر نکنید که این فریب چیز ساده و امری اتفاقی است بهنگام استفاده از این سند در راستای تجزیه ایران این ورقه بنام فرمان شاه که همواره در تمام طول تاریخ ایران بی چون و چراه اجرا در آمده و فرهنگ و باور ایرانی فرامین شاه را فرمان یزدان یعنی ثابت و غیر قابل عدول میدانند تلقی و مورد استناد قرار خواهد گرفت.^۱

^۱ - در گذشته بارها نوشته ام شوربختانه و از نکات تاریک تاریخ ما این خواهد بود که اعلیحضرت رضاشاه دوم نخستین پادشاهی در دنیا خواهند بود که به همراه همسر و مادر گرامیشان از راه ماده ۱۱ منشور زمینه تجزیه کشور را فراهم کرده اند.
ح-ک